

### الهام رسولی<sup>۱</sup>

پس از تشکیل کنفرانس توسعه و تجارت وابسته به سازمان ملل متحد (انکتاد) در ۲۳ مارس ۱۹۶۴ و تعیین دهه ۶۰ به عنوان دهه توسعه، کشورهای در حال رشد برای بهبود شرایط داخلی خویش به همکاری‌های منطقه‌ای با یکدیگر روی آوردند. سازمان همکاری عمران منطقه‌ای (آر.سی.دی) در ژوئیه ۱۹۶۴ با عضویت سه کشور ایران، ترکیه و پاکستان به وجود آمد. بعد از مضمحل شدن (آر.سی.دی) سازمان همکاری اقتصادی آکو به عنوان جانشین این سازمان به منظور بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی منطقه در سال ۱۹۸۵، مجدداً میان سه کشور فوق به وجود آمد. این سازمان امروزه با داشتن ده عضو از کشورهای منطقه در رسیدن به اهداف خود چندان موفق نبوده است. بنابراین این پژوهش به لحاظ موضوعی به بررسی علت اصلی عدم امکان تحقق هم‌گرایی در میان اعضای آکو پرداخته و این مشکل را از منظر نقش و تأثیر قدرت‌های خارجی در دو بعد اقتصادی و سیاسی مورد بررسی قرار می‌دهد.

واژگان کلیدی: آکو، همگرایی منطقه‌ای، قدرت‌های خارجی

سازمان همکاری‌های اقتصادی آکو از جمله سازمان‌های منطقه‌ای محسوب می‌شود که با هدف ارتقاء همکاری‌های اقتصادی و بهبود وضعیت اقتصادی کشورهای عضو تشکیل شده است. همکاری عمران منطقه‌ای (آر.سی.دی) به عنوان سلف آکو در سال ۱۹۶۴ با شرکت ایران، ترکیه و پاکستان تشکیل گردید و در سال ۱۹۸۵ با نام سازمان همکاری اقتصادی آکو، دوران جدیدی از فعالیت خود را آغاز کرد. رهبران سه کشور با تأیید پروتکل اصلاح‌شده از میر که اساس توافق‌ها و همکاری‌های مربوط به سازمان آر.سی.دی بود مرحله نوینی را برای توسعه همکاری‌های چندجانبه میان خود آغاز کردند.

۱. خانم الهام رسولی، دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل

بر اساس این عهدنامه دولت‌های یادشده با توجه به تشخیص نیاز به گسترش و تعمیق هرچه بیشتر روابط اقتصادی موجود از طریق تلاش‌های مداوم در سطح منطقه، گسترش و توسعه این همکاری‌ها را مورد تأکید و توجه قرار دادند. (۱)

نهمین اجلاس سران اکودر ۵ می سال ۲۰۰۶ در باکو پایتخت جمهوری آذربایجان با حضور دکتر احمدی‌نژاد رییس جمهوری کشورمان برگزار شد. سران دولت‌ها در این اجلاس بر ضرورت توسعه همکاری‌ها در زمینه‌های مختلف تحت چارچوب کاری اکو تأکید ورزیده‌اند. در پایان این اجلاس نیز اعلامیه باکو به تصویب رسید. در این اعلامیه خطوط راهنمای همکاری‌ها در آینده مشخص شده است. در این اعلامیه مقرر شده است اجلاس دهم این سازمان در پاکستان برگزار شود. (۲)

هم‌اکنون کشورهای سازمان اکو با بیش از ۳۴۰ میلیون نفر جمعیت و وسعت ۸ میلیون کیلومتر مربع از سازمان‌های مهم منطقه‌ای می‌باشد که در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان واقع شده است. این سازمان ۱۸/۳ درصد از آسیا وسیع‌ترین قاره جهان و حدود ۶ درصد از مساحت کل جهان را اشغال کرده و از این جهت دومین پیمان منطقه‌ای بزرگ به حیث وسعت و جمعیت بوده و با آبراه‌های مهمی چون خلیج فارس و دریای عمان، اقیانوس هند و دریای مدیترانه هم‌جوار بوده و به آنان دسترسی دارد. (۳)

### ارزیابی عملکرد سازمان اکو

در ارزیابی عملکرد سازمان همکاری اقتصادی (اکو) می‌توان این‌گونه بیان کرد که روند همگرایی در این سازمان طی مدت زمانی که از تجدید حیات آن می‌گذرد دستاورد چندانی نداشته است. چرا که برای رسیدن به همگرایی حتی‌الامکان می‌بایست از عوامل اختلاف‌زایی چون وفاداری ملی، احساسات ناسیونالیستی، گرایش‌های سیاسی و پایبندی صرف به منافع ملی کاسته شده و با گسترش همکاری‌های مختلف تکنیکی، اقتصادی و تجاری زمینه ثبات و گرایش به سوی اتحاد میان کشورهای مختلف یک منطقه فراهم آید. در حالی که در میان اعضای اکو چنین چیزی به چشم نمی‌خورد. در این راستا سمت‌گیری بازرگانی خارجی دولت‌ها در یک منطقه بسیار حائز اهمیت می‌باشد. چرا که سمت‌گیری بازرگانی درون منطقه‌ای اعضا باعث افزایش امکان

همگرایی در منطقه و جهت‌گیری برون منطقه‌ای آن‌ها باعث عدم امکان همگرایی می‌شود. (۴) نگاهی به مبادلات درون منطقه‌ای اکو نشان می‌دهد که این مبادلات در سال‌های مختلف نوسان داشته و به‌طور کل ۵ تا ۷ درصد از کل تجارت این کشورها را دربرگرفته است. این در حالی است که حجم تجارت برون منطقه‌ای اکو حدود ۱۶ برابر تجارت درون منطقه‌ای آن بوده است. این رقم در مقایسه با سازمان‌هایی هم‌چون آسه آن و یا اتحادیه اروپا بسیار اندک می‌باشد. کشورهای عضو آسه آن حدود ۲۰ تا ۳۰ درصد و اعضای اتحادیه اروپا حدود ۶۵ درصد از مبادلات تجاری خویش را درون منطقه انجام می‌دهند. (۵) میزان تجارت میان اعضاء که یکی از مهم‌ترین شاخص‌های همگرایی منطقه‌ای باشد در میان اعضای سازمان فوق بسیار ناچیز می‌باشد و با توجه به وسعت و جمعیت این سازمان به هیچ وجه قابل قبول نیست. رییس وقت اتاق بازرگانی ایران در اکو اشاره می‌کند که مبنای فعالیت‌های اکو اقتصادی بوده ولی امروزه آن‌چه مهم نیست اقتصاد است. وی با انتقاد از عملکرد اکو در به توافق رساندن کشورهای عضو گفت: بهتر است قبل از این‌که این کشورها به سازمان تجارت جهانی بپیوندند در منطقه خود به وسیله اکو به هم پیوسته شوند. (۶)

با توجه به مطالب بیان شده، سوالی که در این مقاله مطرح می‌شود این است:

### مهم‌ترین عامل موثر در عدم تحقق روند هم‌گرایی در میان اعضای اکو، چیست؟

کانتوری و اشیپگل دو پژوهشگر آمریکایی، از نظریه‌پردازان برجسته همگرایی هستند که در دیدگاه‌های خود مربوط به همگرایی، چهار «متغیر الگویی» را به عنوان مهم‌ترین عوامل موثر درون منطقه‌ای بر می‌شمارند که به کمک آن‌ها می‌توان میزان همگرایی در یک منطقه را شناسایی کرد. این چهار متغیر عبارتند از:

(۱) ماهیت و میزان هم‌بستگی، (۲) ماهیت ارتباطات، (۳) سطح قدرت، (۴) ساختار روابط

به نظر این دو پژوهشگر علاوه بر متغیرهای چهارگونه درون منطقه‌ای، نقش و نفوذ قدرتهای برون منطقه‌ای و خارجی به عنوان «سیستم اثرگذار» تاثیر بسیار زیادی بر روند همگرایی منطقه‌ای دارد. هر گونه تجزیه و تحلیل در مورد هر منطقه، نشان می‌دهد که فقط کشورهای آن منطقه نیستند که به ایفای نقش می‌پردازند، بلکه در یک نظام

بین‌الملل دولت‌های خارج از منطقه هم خود را در سیاست بین‌الملل مناطق درگیر می‌سازند. (۷)

مشارکت و ایفای نقش توسط قدرت‌های خارجی در یک منطقه را از جهت تأثیری که دارند، به دو دسته می‌توان تقسیم کرد. نخست، نقشی که از لحاظ سیاسی کم اهمیت تلقی می‌شود، و دوم نقشی که از لحاظ سیاسی با اهمیت به شمار می‌آید. «درگیری کم اهمیت از نظر سیاسی» دربرگیرنده اقداماتی هم چون کمک‌های مادی بازرگانی، سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تلاش‌های فرهنگی و آموزشی است و «درگیری با اهمیت از نظر سیاسی» به مشارکتی گفته می‌شود که از راه کمک‌های اقتصادی و نظامی، اتحاد رسمی و یا اعزام نیرو صورت می‌گیرد و ممکن است بر موازنه قدرت در منطقه تأثیر بگذارد و آن را دگرگون سازد.<sup>(۸)</sup> بنابراین هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش و تأثیر قدرت‌های خارجی در دو بعد اقتصادی و سیاسی در منطقه اکو است. چرا که با اتکا بر عوامل درون منطقه‌ای و بدون در نظر گرفتن عواملی که در خارج از منطقه می‌توانند بر سیاست‌های یک منطقه تأثیر بگذارند نمی‌توان از مطالعه همکاری نتیجه مطلوبی به دست آورد. قدرت‌های خارجی با مداخلات خود می‌توانند سطح انسجام، ارتباطات، قدرت و ساختار روابط را در آن منطقه تحت تأثیر قرار دهند. این مقاله به بررسی روابط اقتصادی و سیاسی اعضای اکو با قدرت‌های خارجی و فرا منطقه ای چون: روسیه ایالات متحده، اعضای اتحادیه اروپا و چین می‌پردازد.

### جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز

در این بخش به بررسی میزان روابط اقتصادی جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز با روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و روابط سیاسی آنها با آمریکا به عنوان یک قدرت فرا منطقه‌ای می‌پردازیم. با توجه به رویکرد مرکزگرایانه روسیه که شکل تکامل یافته ملی‌گرایی است تأمین منافع ملی روسیه در اولویت است و اعتقاد بر این است که از هر راهی که امکانپذیر باشد بایستی برای دفاع از منافع ملی و امنیت ملی روسیه تلاش نمود. واقع‌گرایی و عملگرایی دو ویژگی اصلی این اندیشه در عرصه سیاست خارجی است. اقتصاد در منطق مرکزگرایان از سیاست مهم‌تر است و با توجه به مشکلات اقتصادی

روسیه آن‌ها تلاش می‌کنند با جذب سرمایه‌گذاری و انتقال تکنولوژی توان اقتصادی روسیه را بالا ببرند. بنابراین مرکزگرایان حوزه جمهوری‌های مشترک‌المنافع را در صدر اولویت‌های سیاست خارجی خود قرار داده‌اند و خواهان حفظ و تقویت انحصارات روسیه در این مناطق اند. (۹) در اکتبر سال ۲۰۰۴ روسیه عضو اتحادیه آسیای مرکزی شد که سه سال پیش توسط چهار عضو اکو یعنی قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و تاجیکستان تشکیل شده بود. نور سلطان نظر بایف رییس جمهوری قزاقستان الحاق روسیه به این اتحادیه را رویداد بزرگی خواند که این سازمان را به سطح جدیدی ارتقاء می‌دهد.

به طور کلی انحصارات روسیه در این مناطق در سه بخش انرژی، ارتباطات و حمل و نقل خلاصه شده است. البته خود این جمهوری‌ها هم به دلیل زیرساخت‌های ضعیف اقتصادی که از دوران اتحاد شوروی به ارث برده‌اند، تمایل زیادی برای هم‌بستگی‌های اقتصادی با روسیه از خود نشان می‌دهند. به عنوان مثال می‌توان به توافق میان روسیه و قزاقستان برای همکاری مرزی برای سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۹ اشاره کرد که می‌تواند به ادامه توسعه همکاری میان دو کشور مساعدت کند. (۱۱)

مناسبات روسیه با قرقیزستان نیز با موفقیت توسعه می‌یابد. مطابق با موضعگیری آقایف، روسیه متحد اقتصادی با قرقیزستان بوده، هست و خواهد بود. در ژوئیه سال ۲۰۰۰ روسیه و قرقیزستان بیانه دوستی جاویدان و نیز قراردادی را درباره همکاری‌های اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۰۰ را امضا کردند، که با اجرای آن امکانات وسیعی در زمینه توسعه تجارت، تعاون تولیدی و سایر انواع همگرایی در زمینه‌های اقتصادی حائز اولویت، فراهم می‌شود. (۱۲)

حاکمیت رو به رشد شرکت‌های روسی در صنایع کشورهای آسیای مرکزی اهرم بیشتری بر اقتصاد این دولت‌ها در اختیار روسیه قرار می‌دهد و به عنوان جایگزینی برای از دست دادن انحصار روسیه در مسیرهای صادرات انرژی عمل می‌کند. به عنوان مثال در سال ۲۰۰۳ نیازف از ترکمنستان و مدیر کل گاز پروم روسیه قرارداد تاریخی خرید و فروش گاز را امضا کردند که به روسیه اجازه می‌دهد ۵۹/۹ تریلیون فوت مکعب گاز را در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۹ از ترکمنستان وارد کند. در ژوئن ۲۰۰۴ رئیس شرکت روسی لوک اویل توافقنامه‌ای را در رابطه با نفت و گاز ازبکستان امضاء کرد، بر اساس این توافقنامه شرکت نفت روسیه برای کنترل گاز ازبکستان در آن‌جا خواهد ماند. این شرکت

ذخیره گاز ترکمنستان را برای ۳۵ سال آینده اداره و تا یک میلیارد دلار برای آن سرمایه‌گذاری می‌کند. (۱۳)

به‌طور کلی در سال ۲۰۰۶ تجارت خارجی روسیه به ۴۳۶ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار رسیده که در گزارشی از اداره گمرک این کشور مبادلات روسیه با جمهوری‌های آسیای مرکزی ۱۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار بوده که نسبت به سال ۲۰۰۵، ۲۵/۴ درصد رشد داشته است. از مجموع مبادلات این کشور در سال ۲۰۰۶ در حدود ۱۴/۸ درصد با جمهوری‌های مذکور بوده است. (۱۴)

در مورد روابط سیاسی این اعضا با ایالات متحده نیز می‌توان به فروپاشی اتحاد شوروی و تجزیه آن به دولت‌های مستقل اشاره کرد که آمریکادر پی آن تلاش گسترده‌ای را آغاز کرد تا خلاء ژئوپلیتیکی پیرامون فدراسیون روسیه را پر کند. چرا که بسیاری از نظریه‌پردازان و سیاست‌مداران آمریکایی بر این باورند که نیروی مسلط بر اوراسیا تسلط بر جهان را به دست خواهد آورد و در اندیشه نخبگان این فکر پدید آمده که با تجزیه روسیه آمریکا برای اولین بار قادر است حضور سیاسی خود را در کشورهای تازه استقلال یافته تا مرزهای چین حاکم نموده و با این حضور سیاسی در سایر ابعاد نیز موفقیت‌هایی را به دست آورد. (۱۵) به همین دلیل سازمان همکاری اقتصادی اکو بعد از فروپاشی شوروی و پیوستن جمهوری‌های سابق به آن دارای اهمیت زیادی برای آمریکا شده است. چرا که پیوستن این اعضا از سوی آمریکا به عنوان تلاشی از سوی ایران برای توسعه نفوذ ایدئولوژیک خود تلقی گردیده است و ایالات متحده با توسعه نفوذ سیاسی خود در این جمهوری‌ها به یک مانع اساسی برای توسعه روابط ایران با آنها شده است.

آمریکا در همه این کشورها سفارت افتتاح کرده و با سرمایه‌گذاری‌های سیاسی - علمی - تبلیغاتی بسیار عزم خود را جذب نموده تا نفوذ سیاسی کاملی را در این جمهوری‌ها به دست آورد. لازم به ذکر است که آمریکا در این نفوذ سیاسی از نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول، کنفرانس امنیت و همکاری اروپا، اتحادیه اروپای غربی و ناتو بهره‌ی بسیار گرفته است. (۱۶) بعد از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمریکا با پیگیری ایده انقلاب‌های رنگین تلاش کرده با تعویض رهبران منطقه، چهره‌هایی را به قدرت برساند که تا حدودی رضایت مردم را داشته باشند و در عین حال وابسته به آمریکا و مجری سیاست‌های واشنگتن باشند. (۱۷)

از جمله محورهای تلاش امنیتی آمریکاجهت نفوذ در این جمهوری هاست. توان به تلاش برای گسترش دادن ناتو به سوی شرق، حمایت از پیمان‌های نظامی غرب‌گرای منطقه نظیر گوام و اعطای کمک‌های مالی و فنی و نظامی به جمهوری‌های مزبور اشاره کرد. هر ساله آمریکا کمک‌های مالی و نظامی جداگانه‌ای به این کشورها ارائه و یا این که تجهیزات مستعمل نظامی را برای کمک در اختیار این کشورها قرار می‌دهد. بنابراین آمریکا بابرگزاری تمرینات نظامی با این کشورها چه به صورت دوجانبه و چه به صورت چندجانبه در چهارچوب طرح مشارکت برای صلح ناتو، برگزاری دوره‌های آموزشی، اعزام افسران نظامی به عنوان مستشار و ... به نفوذ در این جمهوری هادست زده است. (۱۸) به عنوان مثال آمریکا در سال ۲۰۰۴ برای احیای پیمان گوام، ۴۷ میلیون دلار به اعضای آن کمک اعطا نمود. از جمله وظایف جدید این پیمان از این سال به بعد صدور انقلاب‌های رنگین به جمهوری‌ها مطابق با منافع آمریکا بوده است. قرقیزستان اولین جمهوری آسیای مرکزی بود که در نوامبر ۲۰۰۳ انقلاب رنگین از نوع لاله‌ای آن را تجربه کرد.

به طور کلی آمریکا پس از حادثه‌ی یازدهم سپتامبر موفق شد از یک سو طرح‌های نظامی در منطقه را نظیر استقرار نیروهای واکنش سریع و ... را دنبال کند و از سوی دیگر با به راه انداختن سناریوی انقلاب‌های رنگین در برخی کشورهای منطقه با استفاده از نارضایتی داخلی به خاطر فقر و بیکاری، رهبران جدید وابسته را به قدرت برساند. (۱۹)

**ایران:** جمهوری اسلامی ایران همواره یکی از سه کشور عمده تامین‌کننده نفت اتحادیه اروپا بوده است علاوه بر آن این کشور مناسب‌ترین مسیر برای انتقال نفت و گاز دریای خزر به اروپا است، چرا که مسیر ایران نسبت به سایر مسیرها کوتاهتر و از نظر اقتصادی مقرون به صرفه‌تر است.

در سال ۱۳۸۵ بزرگترین شرکای تجاری ایران، آلمان و ایتالیا از اتحادیه اروپا بوده‌اند. در ۵ ماهه نخست این سال تجارت اروپا با ایران به مرز ۷ میلیارد دلار رسید که ارزش صادرات ایران به اروپا ۹۱۵ میلیون دلار و ارزش واردات ایران از اروپا ۶ میلیارد دلار بوده است که در مقایسه با مدت زمان مشابه به سال گذشته شاهد افزایش ۱۳۸ درصدی صادرات ایران به اروپا هستیم. حجم صادرات اروپا به ایران ۳/۶ میلیون تن کالا و حجم واردات

اروپا از ایران ۱/۳ میلیون تن اعلام شده است. بیشترین سهم از صادرات اروپا به ایران را آلمان با ۲ میلیارد دلار، ایتالیا ۷۸۳/۴ میلیون دلار، انگلیس ۴۷۴/۱ میلیون دلار و سوئد ۲۴۷/۷ میلیون دلار تشکیل داده‌اند. بیشترین صادرات ایران نیز به کشورهای ایتالیا با ۲۵۵/۷ میلیون دلار و آلمان ۱۱۱/۵ میلیون دلار بوده است. (۲۰)

هم‌چنین در اواخر سال ۱۳۸۵ یک اتحادیه خارجی متشکل از یک شرکت آلمانی، یک شرکت ایتالیایی و نیز یک بانک سوئیسی در مجموعه فولاد مبارکه ۸۰ میلیون یورو سرمایه‌گذاری کرده‌اند. این مبلغ قسمتی از مجموع مبلغ سرمایه‌گذاری به ارزش ۳۰۰ میلیون یورویی می‌باشد که از شش سال گذشته توافق‌های اولیه آن به عمل آمده و قرار است برای بهبود استانداردهای محیط زیستی، کیفیت محصولات و صرفه‌جویی در انرژی مورد استفاده قرار گیرد. (۲۱)

می‌توان به این نتیجه رسید که حجم تجارت ایران و روابط اقتصادی این کشور با کشورهای اتحادیه اروپا به خصوص آلمان و ایتالیا بسیار چشم‌گیر و قابل توجه است. در هفت سال گذشته فرانسوی‌ها و سرمایه‌گذاران این کشور بیشترین سرمایه‌گذاری را در ایران داشته‌اند و سهم زیادی از سرمایه‌گذاری خارجی در ایران متعلق به آنان می‌باشد. (۲۲)

در مورد روابط سیاسی و امنیتی ایران به بررسی این روابط با روسیه به عنوان یک قدرت خارجی می‌پردازیم.

بعد از فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، با توجه به از میان رفتن نظام دو قطبی موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک روسیه در نظام بین‌الملل دگرگون شد. این کشور با افسوس از منزلت از دست رفته خود امید دارد که در تغییر ساختار نظام بین‌الملل بار دیگر منزلت برتری جویانه خود را در این نظام باز یابد. تمایل به همکاری با ایران، نیز در واقع با این هدف راهبردی مطلوب شده است. چرا که نزدیک شدن روسیه به ایران و همکاری هسته‌ای میان دو کشور مزایای زیادی برای روسیه به همراه دارد. (۲۳)

از مهمترین اهداف سیاست خارجی روسیه در خصوص همکاری با ایران، استفاده از اهرم این کشور برای چانه‌زنی با آمریکا، نزدیکی به ایران برای نفوذ در منطقه خاورمیانه، خلیج فارس و کشورهای اسلامی و همکاری‌های دفاعی در جهت بازسازی سیاسی و دفاعی خود می‌باشد. از طرفی روسیه نیز به عنوان کشوری که دارای سلاح‌های با کیفیت است



برای تهران بیش از پیش حائز اهمیت است، به گونه‌ای که قسمت اعظم مبادلات دو کشور بعد از فروپاشی شوروی شامل خریدهای نظامی ایران از این کشور بوده است. نمی‌بایست فراموش کرد که یک اصل پایدار در روابط ایران و روسیه برتری «ماهیت سیاسی - امنیتی» آن بر ماهیت «تجاری و اقتصادی» می باشد که این به معنای ظرفیت و اهمیت برتر موضوعات و مفاهیم سیاسی و امنیتی در مقایسه با همکاری‌های اقتصادی و تجاری است. (۲۴)

به طور کلی ایران پس از هند و چین، سومین وارد کننده سلاح از روسیه تلقی می‌شود. معاملات تسلیحاتی میان دو کشور که از دوران جنگ ۸ ساله با عراق توسعه یافته بود در سال‌های بعد از فروپاشی شوروی نیز تداوم پیدا کرد.

از طرف دیگر گسترش بازی بزرگ در منطقه پیرامون خزر اهمیت همکاری‌های نظامی میان ایران و روسیه را بیش از پیش برجسته ساخته است. در این میان تداوم تخصص‌های میان ایران و آمریکا و ایران و اسرائیل از سوی دیگر نیز نمی‌باید نادیده گرفته شود. (۲۵)

به طور کلی عوامل اشتراک دو کشور ایران و روسیه عبارت‌اند از:

- ۱ - مقابله با نفوذ آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز
- ۲ - مخالفت با گسترش ناتو به شرق
- ۳ - جلوگیری از سلطه‌ی شرکت‌های خارجی و چندملیتی بر منابع نفت و گاز منطقه همکاری این دو کشور در پایان دادن به جنگ داخلی تاجیکستان به خوبی ظرفیت‌های سازنده ایران را در تأمین نیازهای امنیتی روسیه به نمایش گذاشت. (۲۶)

افغانستان: یکی از بی ثبات ترین اعضای اگو طی سالیان گذشته کشور افغانستان بوده است. به دلیل بی‌ثباتی‌های سیاسی در این کشور بررسی این روابط به خصوص در بعد اقتصادی خیلی دشوار بوده و آمار و ارقام دقیقی در دسترس نیست. بنابراین ما فقط به کمک‌های اقتصادی آمریکا به این کشور به عنوان یکی از راههای نفوذ اقتصادی و سیاسی اشاره‌ای خواهیم داشت.

افغانستان یکی از فقیرترین کشورها به لحاظ اقتصادی به شمار می‌رود که اقتصاد این کشور بعد از فروپاشی طالبان در ۲۰۰۱ و حمله آمریکا به این کشور اندکی رو

به بهبودی نهاده است. عمده‌ترین صادرات افغانستان به کشور آمریکا بوده و این کشور یکی از مهم‌ترین شرکای بازرگانی افغانستان به شمار می‌رود. (۲۷)

آمریکا از سال ۲۰۰۱ که طالبان را وادار به ترک افغانستان کرد تاکنون ۱۱/۸ میلیارد دلار به افغانستان کمک اقتصادی کرده است. این کشور در سال ۲۰۰۶ خود را متعهد کرد که ۱ میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار دیگر در قالب کمک‌های مالی به افغانستان کمک کند. آمریکا با تعهد پرداخت ۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵-۲۰۰۴ بزرگ‌ترین اعطاکننده کمک مالی به این کشور بوده است. آمریکا از عضویت افغانستان در سازمان تجارت جهانی نیز حمایت‌های فراوانی به عمل آورده است. (۲۸) به گفته مقامات آمریکایی از زمان آزادسازی افغانستان حجم اقتصاد این کشور به لحاظ حمایت‌ها و کمک‌های آمریکابه میزان دو برابر رشد داشته که این خود میتواند راه را برای نفوذ هرچه بیشتر در این کشور برای آمریکاییان باز می‌کند.

اتحادیه اروپانیز بعد از آمریکا از بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان مالی- اقتصادی به افغانستان از سال ۲۰۰۱ به بعد بوده است که این میزان در حدود ۲۶۸ میلیون دلار بوده است. به عنوان مثال، آلمان در سال ۲۰۰۶ کمک‌های اقتصادی خود به افغانستان را با ۲۰ درصد افزایش به ۱۰۰ میلیون یورو رساند. این دولت خود را متعهد کرده که تا سال ۲۰۱۰ هر ساله ۸۰ میلیون یورو برای بازسازی افغانستان بپردازد. بدین ترتیب مجموعه تعهدات مالی و پرداخت‌های این کشور به افغانستان از زمان سرنگونی طالبان در سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ به یک میلیارد یورو خواهد رسید. فرانسه نیز یکی دیگر از اعضای اتحادیه اروپا طی ۴ سال گذشته ۲۵ میلیون دلار به رشد و توسعه اقتصادی افغانستان کمک کرده است. (۲۹)

در زمینه روابط سیاسی و امنیتی افغانستان با ایالات متحده نیز این نکته ضروری است که این کشور بعد از ۱۱ سپتامبر، در نظام بین‌الملل بار دیگر مورد توجه بازیگران سیاسی منطقه‌ای و جهانی به خصوص آمریکا واقع شده است و شاهد بازی بزرگی است که با حضور لشکر موتوریزه ۲۰۱ روسیه در مرزهای تاجیکستان و استقرار نیروهای ناتو در آن شدت می‌یابد. این کشور محل تلاقی منافع چین، روسیه و آمریکا بوده و می‌تواند حمل و نقل زمینی و هوایی مراکز پرجمعیت اروپا و آسیا را رونق

بخشد. (۳۰) و به این خاطر است که پاپ دو هوپ شفر، دبیرکل هلندی ناتو در مصاحبه با روزنامه سویسی در ۷ ژوئیه ۲۰۰۴ گفت که: «افغانستان اولویت شماره یک است». (۳۱)

حمله آمریکا به افغانستان، سرنگونی رژیم طالبان و روی کار آوردن دولت جدید به ریاست حامد کرزای، مجموعه اقداماتی است که در قالب استراتژی‌های آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی پس از جنگ سرد قابل تبیین است و افغانستان در این راستا کشوری ژئواستراتژیک تلقی می‌گردد که در سایه مسائل مربوط به ایران و همسایگی با آسیای مرکزی به این مقام ارتقاء یافته است.

امروزه آمریکا بازیگر استراتژیک برتر در افغانستان می‌باشد. علاوه بر پایگاههای بگرام و قندهار، آمریکا یک پایگاه بزرگ در مناس نزدیک بیشکک پایتخت قرقیزستان نیز دارد، و سیاست این کشور در افغانستان در جهت تأکید بر استراتژی‌های بلند مدت که شامل تکیه بر عوامل امنیتی از جمله پلیس، کنترل‌های مرزی، توسعه و تنوع در اشکال مبارزه تروریستی آمریکا می‌باشد، چرخش نموده است. (۳۲)

پاکستان: در این بخش به بررسی روابط گسترده اقتصادی و سیاسی پاکستان به عنوان یکی از اعضای مهم اکو با چین به عنوان یک قدرت خارجی می‌پردازیم.

برقراری روابط با چین یکی از ستون‌های اصلی سیاست خارجی پاکستان محسوب میشود و این دو کشور همواره در مسائلی چون کشمیر و حقوق بشر و یا تایوان از یکدیگر حمایت کرده‌اند. یکی از اهداف مهم پاکستان در برقراری رابطه اقتصادی با چین، دستیابی این کشور به آزادسازی اقتصادی، خصوصی‌سازی و عدم تمرکز در اقتصاد می‌باشد. چرا که در حال حاضر یکی از پرسش‌های مهم پیش روی پاکستان مسئله سرعت آزادسازی تجارت است چرا که تسریع روند آزادسازی اقتصاد، مسئله جهانی شدن و تاثیرات مترتب از آن در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی بر کشورهای مختلف از جمله منطقه شرق آسیا ذهن اقتصاددانان پاکستان را به خود مشغول داشته است. (۳۳) از سوی دیگر پاکستان با سیاست‌های واقع‌گرایانه دیدگاه‌های خاص خود را با واقعیت‌های سیاسی و اقتصادی موجود مطابقت می‌دهد. این کشور در صدد است که سرمایه‌گذاری مستقیم

خارجی به کشور را جذب نموده و صادرات خود به کشورهای دیگر از جمله چین را گسترش دهد.

روابط دیپلماتیک میان دو کشور در بیست و یکم می ۱۹۵۱ آغاز گردید. مهم‌ترین صادرات پاکستان به چین عبارت‌اند از: کتان خام، الیاف کتانی و پشمی. نخ‌های کتانی، محصولات نفتی، چرم، سبزیجات و الیاف مصنوعی. مهم‌ترین واردات این کشور از چین نیز عبارت است از: ماشین‌آلات و قطعات مصنوعات فلزی، شکر، چای و کاغذ. (۳۴)

طی دیدار رییس جمهوری چین و همتای پاکستانی وی در ۲۴ ژوئن سال ۲۰۰۶، پس از انجام مذاکرات به منظور استحکام بخشیدن به مناسبات خود، قراردادی را در زمینه تجارت آزاد به امضاء رسانیدند. این قرارداد به نقطه عطف سفر هوچین تائو، رییس جمهور چین به پاکستان مبدل شد. تائو پس از پایان سفر اظهار کرد که این قرارداد، مهم‌ترین قراردادی است که میان طرفین منعقد شده است. طبق آمار و ارقام وزارت بازرگانی چین، حجم صادرات تجاری دو کشور در سال ۲۰۰۶ با ۳۹ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۰۵ به ۴/۲۶ میلیارد دلار رسیده است. (۳۵)

سرمایه‌گذاری مستقیم چین در پاکستان: چند شرکت چینی، دویست و هجده پروژه به ارزش بالغ بر ۴/۱۲۳ میلیارد دلار را در پاکستان آغاز نمودند. این سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌هایی مانند: ساخت ایستگاه‌های برقی- آبی همانند پروژه چشمه، بزرگ راه‌ها و ساخت جاده صورت گرفته است. شرکت‌های چینی در پروژه‌های یاد شده، ۷۵۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری نموده‌اند. از ۲۱۸ پروژه سرمایه‌گذاری شده چینی‌ها، ۱۶۱ مورد از آنها کامل گردیده و ۵۷ مورد دیگر در دست ساخت است. پاکستان همچنین در تجهیز نیروی نظامی خود بارها از تکنولوژی چینی بهره برده است. (۳۶)

بنابراین روابط اقتصادی دو کشور چین و پاکستان روزه‌روز در حال افزایش می‌باشد، سلمان بشیر یکی از مقامات پاکستانی اظهار می‌دارد اسلام‌آباد امیدوار است که حجم مبادلات تجاری دو کشور تا سال ۲۰۱۰ به سقف ۱۵ میلیارد دلار برسد. (۳۷)

در مورد روابط سیاسی و نظامی این دو کشور نیز نگاهی کوتاه به سیاست خارجی چین روشن می‌سازد که پاکستان از جمله کشورهایی است که چین از ابتدا روابط را بر محور دوستی با این کشور آغاز کرده و همواره روابط دو کشور به خصوص در زمینه‌های سیاسی رو به توسعه بوده است.

پاکستان و چین از اوائل دهه ۱۹۶۰ روابط گرمی داشتند چرا که مانو می‌خواست توسعه‌ی نفوذ آمریکا و اتحاد شوروی را به وسیله ایجاد ارتباطات با جهان سوم محدود کند. علاوه بر این پاکستان موازنه‌ای با هند برای چین ایجاد می‌کرد. در چنین فضایی بود که خط هوایی بین‌المللی پاکستان پرواز خود را به پکن بیش از هر خط هوایی دیگر در جهان غیر کمونیست در یک سطح وسیع آغاز کرد.

به دنبال آن چین مبالغ مهمی از کمک‌های نظامی و اقتصادی خود را به پاکستان ارسال داشت و به این کشور برای ایجاد ظرفیت دفاعی بومی کمک کرد. این کشور همچنین تا به امروز به طور مداوم از پاکستان در مسأله کشمیر حمایت می‌کند و نقشه‌های این کشور اغلب کشمیر را به عنوان منطقه‌ای که متعلق به پاکستان و نه هند است، نشان می‌دهد. (۳۸)

در جریان جنگ پاکستان با هند، چین سخت افزارهای نظامی زیادی برای این کشور فراهم کرد و به ایجاد صنایع تسلیحات داخلی کمک فراوانی کرد که از چند کارخانه تانک‌سازی و هواپیماسازی تشکیل می‌شد. انفجار بمب هسته‌ای هند در سال ۱۹۷۴ سبب شد تا چین برنامه‌های هسته‌ای و موشکی‌اش را تسریع کند و کمک‌های این کشور به برنامه‌های هسته‌ای پاکستان به طور وسیعی به دلیل نیاز به خنثی کردن رقبای استراتژیک آسیایی‌اش صورت گرفت. (۳۹)

البته مهمترین تحولات نظامی در روابط دو کشور در سال ۱۹۹۲ اتفاق افتاد هنگامی که چین، پاکستان را با ۳۴ فروند موشک رزمی ام-۱۱ شبیه موشک اسکاد بی شوروی مجهز کرد. این موشک‌ها به تلافی تصمیم آمریکا به ارسال ۱۵۰ فروند جنگنده اف-۱۶ به تایوان فراهم شد. به دنبال آن شواهدی به دست آمد که چین ممکن است به تأسیس یک کارخانه برای ساخت این موشک‌ها کمک کند.

چین همچنین در اواسط دهه ۱۹۹۰ نیروگاه هسته‌ای ۳۰۰ مگاواتی چشمه - ۱ را در پاکستان احداث کرد که این نیروگاه هم اکنون با ۹۵ درصد توان فعال است. به دنبال آن در آوریل ۲۰۰۵ عملیات احداث نیروگاه چشمه - ۲ نیز با توان ۳۰۰ مگاوات و با کمک فنی و مالی این کشور در حاشیه رود ایندوس آغاز که هزینه احداث این نیروگاه ۶۰۰ میلیون دلار و زمان راه‌اندازی آن سال ۲۰۱۰ برآورد شده است. در سال ۲۰۰۱

نیزاین کشور دستور کار چهار مرحله‌ای برای توسعه آینده روابط خود و پاکستان ارائه کرد که شامل موارد زیر می‌باشد:

۱) همکاری کشاورزی (۲) توسعه ساختاری (۳) همکاری اقتصادی و تجاری (۴) کشف راههای جدید همکاری<sup>(۴۰)</sup>

در سفر تائو اولین رهبر چین در سال ۲۰۰۶ به پاکستان دو کشور متعهد شده‌اند که همکاری‌های استراتژیک خود را به سطوح تازه‌ای برسانند. در این سفر، دو کشور بیانیه مفصلی امضاء کردند که در آن آمده است: چین به روابط استراتژیک و بلند مدت خود با پاکستان ادامه خواهد داد و برای ارتقای همکاری‌های استراتژیک دو کشور تلاش خواهند کرد. همچنین در این بیانیه چین از پاکستان به خاطر حمایت‌هایش در خصوص مسائل تایوان، تبت و حقوق بشر تشکر می‌کند. و پیشنهاد احداث یک پارک صنعتی نرم‌افزاری در پاکستان را ارائه می‌دهد.

در این سفر همچنین ۳۱ موافقتنامه میان دو کشور امضاء شد. که این موافقتنامه‌ها شامل نصب و تأسیس شش طرح اتمی برای تولید برق پالایشگاه نفت در بندر گوادر و همکاری در تأسیس خط لوله گوادر - کاشغر بود. بیش از سه هزار مهندس و کارشناس چینی در قالب ۶۰ شرکت در یکصد طرح صنعتی و نظامی در پاکستان فعالیت می‌کنند. (۴۱) دوستی سنتی چین و پاکستان احتمالاً ادامه خواهد داشت و همکاری‌های دوجانبه به خصوص در زمینه‌های امنیتی و سیاسی روزبه‌روز افزایش می‌یابد.

ترکیه: پس از فروپاشی امپراتوری عثمانی و ظهور ترکیه جدید، تغییرات بنیادینی در نظام اقتصادی این کشور به وجود آمد. از سال ۱۹۸۰ ترکیه سیاست اقتصادی جدیدی در پیش گرفت و حمایت از بخش صنعت افزایش یافت و سرمایه‌گذاری‌های خارجی تشویق گردید. مشارکت استراتژیک این کشور با تحول‌های اقتصادی جهان نظیر آمریکا، روسیه، آلمان و سایر کشورهای اروپایی سبب گردید تا سرمایه‌گذاری قابل توجهی در این کشور صورت گیرد. تعامل اصلی این کشور با کشورهای اروپایی است و بازار نسبتاً غنی ترکیه از عوامل مهم جلب سرمایه‌های خارجی بوده است. تاکنون ۹۱ حوزه‌ی نفتی و ۱۹ حوزه گازی در ترکیه کشف شده و شرکت‌های بین‌المللی آرامکو و شل و موبیل عمده‌ترین شرکت‌های فعال در زمینه استخراج نفت در ترکیه بوده‌اند. (۴۲) حجم مبادلات

بازرگانی ترکیه در سال ۲۰۰۵ میلادی در مقایسه با سال‌های قبل از آن با ۴۰ درصد افزایش به ۸۰ میلیارد و ۶۰ میلیون دلار رسید. بدین ترتیب در تاریخ اقتصاد ترکیه بزرگ‌ترین رکورد اقتصادی صادراتی شکسته شد. در این میان صنایع خودروسازی ترکیه نقش مهمی ایفا کرده‌اند، بیشترین صادرات این صنایع به کشورهای آلمان، فرانسه، روسیه، ایتالیا، انگلستان و اسپانیا بوده است. (۴۳) آلمان به عنوان بزرگ‌ترین شریک تجاری ترکیه در سال ۲۰۰۶ بیش از ۵/۸ میلیارد دلار از ترکیه واردات داشته است.

### صادرات ترکیه در سال ۲۰۰۶

صادرات به	میلیارد دلار
آلمان	۵/۸
انگلستان	۴/۱۸۱
آمریکا	۳/۵
ایتالیا	۳/۳۵
فرانسه	۲/۷
اسپانیا	۱/۹
هلند	۱/۲۴
روسیه	۶۷۵
بلژیک	۶۴۱

Source: <http://www.Intracen.org>

پیوندهای اقتصادی ترکیه با اعضای اتحادیه اروپایی با پیوستن این کشور به اتحادیه گمرکی در سال ۱۹۹۶ محکم‌تر شده است. این کشور به این ترتیب خود را با نظام واردات جدید تعرفه‌های گمرکی مشترک و جاری در کشورهای عضو اتحادیه اروپا وفق داده است. ترکیه عضو سازمان تجارت جهانی نیز می‌باشد و سیستم گمرکی خود را تحت الزامات این سازمان تنظیم می‌کند. براساس آمار و تخمین‌های موجود، عضویت در اتحادیه اروپایی، تجارت دو جانبه ترکیه با اعضای این اتحادیه را تا ۴۰ درصد افزایش خواهد داد و در صورت پیوستن ترکیه به اتحادیه اروپایی، مرزهای ترکیه به مرزهای اتحادیه تبدیل خواهد شد. آن گاه در تجارت با داخل اتحادیه اروپایی ترکیه از نرخ‌های ترجیحی گمرکی و جا به جایی آزاد سرمایه برخوردار گردیده و زمینه رشد و توسعه

بیشتر روابط اقتصادی میان آن‌ها فراهم خواهد شد. (۴۴) در مورد مناسبات سیاسی و نظامی - امنیتی ترکیه به عنوان یکی از اصلی‌ترین اعضای اکو با قدرت‌های خارجی می‌توان به روابط این کشور با ایالات متحده اشاره کرد. چرا که این کشور به علت موقعیت خاص خود نقش حلقه اتصال مواصلاتی را در ابعاد ارتباطات زمینی، دریایی و هوایی بین دو قاره اروپا و آسیا ایفا می‌کند. از سوی دیگر، نحوه گسترش تاسیسات نظامی و استقرار پایگاه‌های هوایی، دریایی و موقعیت نظامی سواحل این کشور در دریاهای سیاه، اژه و مدیترانه و تسلط بر دو گذرگاه استراتژیک بسفر و داردانل ارزش نظامی و اقتصادی خاصی را برای این کشور در منطقه جنوب غربی آسیا فراهم نموده است. این کشور همواره مورد توجه دولت‌های اروپایی و آمریکا بوده و در حال حاضر نیز نقش ارزنده‌ای برای غرب در قالب ناتو ایفا می‌کند. (۴۵) پس از عملیات مارس ۲۰۰۳ آمریکا در عراق، آمریکا از ترکیه خواست که به عنوان مرکز نظامی نیروهای آمریکایی در بالکان، قفقاز و خاورمیانه عمل کند و همچنین خواهان واگذاری تعدادی از پایگاه‌های هوایی از جمله پایگاه اینجریلیک (که هم اکنون هم در اختیار آمریکاست)، پایگاه هوایی قونیه و نیز پایگاه دریایی سامسون و ترابوزان در دریای سیاه شد. (۴۶) بنابراین اهمیت راهبردی ترکیه به لحاظ نزدیکی با خاورمیانه و بالکان و قفقاز از یک سو و عدم تمایل سایر کشورها برای همکاری با آمریکا یکی از دلایل اصلی نزدیکی آمریکا و ترکیه به یکدیگر می‌باشد. طرح آموزش‌های نظامی بین‌المللی<sup>۲</sup> برای ترکیه یکی دیگر از برنامه‌های آمریکا در حمایت از نیروهای مسلح ترکیه به شمار می‌رود. که بر اساس آن، آمریکا از سال ۱۹۵۰ با هزینه خود، ۲۳۲۶۸ نفر از پرسنل نظامی ترکیه را تحت آموزش قرار داده است. این طرح به لحاظ نظامی حائز اهمیت فراوانی است. بنابراین در طول دهه گذشته، ترکیه بزرگ‌ترین دریافت‌کننده آموزش‌های نظامی آمریکا به شمار آمده است. به طوری که حتی از نزدیک‌ترین متحدان آمریکا هم چون مصر و اسرائیل نیز پیشی گرفته است.

آمریکا همچنین به کمک ترکیه به تولید مشترک هواپیمای جنگنده F-۱۶ پرداخته است. این برنامه به عنوان نخستین و بزرگ‌ترین طرح تولید مشترک تجهیزات نظامی با ترکیه، از سال ۱۹۸۴ آغاز شد. بودجه لازم برای تولید ۸۰ فروند هواپیمای

<sup>۲</sup> - IMET



جنگنده F-۱۶ معادل ۲/۵ میلیارد دلار توسط آمریکا و به نشانه تقدیر از همکاری ترکیه در جنگ خلیج فارس تأمین گردید. (۴۷) از سوی دیگر در برنامه‌های غرب، ترکیه به عنوان تکیه‌گاه محکم ناتو و نوار ضربه‌گیر میان اروپا و خاورمیانه و عامل بازدارنده اسلام‌گرایی و عنصر مهم مقابله با روسیه در قفقاز و حوزه دریای سیاه در نظر گرفته شده است. دولتمردان آنکارا نیز می‌کوشند با عقد قراردادهای دو و چندجانبه با دیگر کشورهای عضو ناتو به خصوص آمریکا، امنیت خود را به امنیت سایر اعضاء گره زده و موقعیت سیاسی و نظامی خود را تحکیم نمایند. بامطرح شدن طرح خاورمیانه بزرگ توسط آمریکا و الگو قرار گرفتن ترکیه به عنوان یک کشور مسلمان لائیک در این طرح، این کشور اهمیتی بیش از اندازه پیدا کرد. ناتو در ترکیه یک مرکز آموزش مشارکت برای صلح که زیر نظر ارتش این کشور اداره شده و بعضی از کشورهای ترک زبان آسیای مرکزی و قفقاز که خود را برای عضویت در ناتو آماده می‌کنند در آن عضویت دارند. این کشور همچنین در رزمایش‌هایی که توسط ناتو برگزار می‌شود، حضوری فعال داشته و دارای دومین ارتش ناتو بعد از آمریکا و سومین نیروی دریایی بعد از آمریکا و انگلیس می‌باشد. (۴۸)

در حالی که ترکیه خود را متعهد به هم بستگی بیشتر با اروپا می‌داند، اولویت‌های امنیتی آن بیشتر با استراتژی‌های آمریکا هم سویی داشته است و به ترجیحات آمریکا شبیه‌تر است. زیرا چالش‌های امنیتی که این کشور با آن مواجه است بدون کمک آمریکا قابل حل نمی‌باشد.

### نتیجه‌گیری

هدف این مقاله بررسی علت اصلی ناکامی اعضای اکو در رسیدن به همگرایی منطقه‌ای بود. مبادلات و جهت‌گیری‌های خارجی و برون منطقه‌ای اعضای اکو را به عنوان یک شاخص مهم و تاثیرگذار در فرایند همگرایی منطقه‌ای دانستیم و به بررسی این روابط با قدرت‌های ایالات متحده، اعضای اتحادیه اروپا، روسیه و چین پرداختیم و در نهایت متوجه شدیم که اعضای این سازمان به دلایل اقتصادی و سیاسی‌گرایش‌های برون منطقه‌ای بسیاری در هر دو بعد از خود نشان داده‌اند.

قدرت‌های خارجی و برون منطقه‌ای نیز تمایلات زیادی در این زمینه از خود نشان دادند. به همین خاطر روند همگرایی در این سازمان طی مدت زمانی که از تجدید حیات

آن می‌گذرد دستاورد چندان مثبتی نداشته است. این در حالی است که اعضای سازمان اکو در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان با میراث تاریخی و فرهنگی کمابیش مشترک واقع شده‌اند و این استعداد را دارند که تبدیل به یکی از قطب‌های اقتصادی جهان شوند. در منطقه اکو نیز قدرت‌های اثرگذار در سال‌های اخیر هر یک به تناسب اهداف خویش دست به اقدامات گوناگون زده‌اند و از شیوه‌های مختلف برای تاثیرگذاری و نفوذ در این کشورها بهره جسته‌اند. در واقع مشکلات اقتصادی آن‌ها باعث شده تا این کشورها به مبادلات برون منطقه ای و تلاش در جهت جلب سرمایه گذاری خارجی روی آورده و همین امر چشم انداز همگرایی را در این منطقه با ابهاماتی رو برو می‌سازد.

اعضای اکو برای برون رفت از این وضعیت می‌بایست به اصول زیر توجه بیشتری نشان دهند:

- ۱- توسعه اقتصادی هرچه بیشتر میان اعضاء
- ۲- حذف تدریجی موانع اقتصادی - تجاری میان اعضاء و رشد و ترقی تجارت درون منطقه‌ای که البته در این زمینه گام‌هایی برداشته شده است.
- ۳- گسترش خطوط حمل و نقل و ارتباطات میان دول عضو با جهان خارج
- ۴- آزادسازی هرچه بیشتر اقتصادی و خصوصی‌سازی آن در کشورهای عضو.
- ۵- گسترش و تعمیق پیوندهای فرهنگی و تاریخی میان مردم منطقه‌ای اکو
- ۶- تلاش‌های مشترک برای دسترسی به بازارهای جهانی به منظور دسترسی به مواد و محصولات جدیدتر
- ۷- تلاش برای هرچه موثر کردن نهادهای اکو و توافق‌نامه‌های مربوط به همکاری
- ۸- تلاش برای داشتن یک رهیافت مشترک در پیوستن به توافق‌نامه‌های برون منطقه‌ای
- ۹- اولویت دادن به مبادلات درون منطقه ای نسبت به جهت گیری های برون منطقه ای و خارجی

## یادداشت‌ها

- ۱- الهه کولایی، اکو و همگرایی منطقه‌ای (تهران: مرکز پژوهش‌های علمی، ۱۳۷۹)، ص ۱۵ تا ۱۷
- 2- <http://www.ECOsecretariat.org> (1386/3/25)
- ۳- کامبیز شیخ حسینی، اکو یک دیدگاه منطقه‌ای (تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۵) صص ۲۷-۲۹
- ۴- سعید پیشداد، همگرایی در سازمان اکو (تهران: باز، ۱۳۸۳)، ص ۷۸
- 5- ECO cultural Institute, News letter, Vol 6, 2 may 2007
- 6- <http://www.isna.ir> (1386/4/25)
- 7- Georg Thomas, The State of International Integration Theory (New Delhi: Anmol, 2000), p88- 95.
- 8- Leon. Linderberg, Economic Integrntion (Stanford: Stanford University Press, 1973) p6.
- 9- Leon Jonson, Vladimir Putin and Central Asia, (London: Tauris, 2004) p 95-98
- ۱۰- الهه کولایی، بازی بزرگ جدید در آسیای مرکزی (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۴)، ص ۷۵.
- ۱۱- تورج حاتمی، برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی (تهران: خورن، ۱۳۸۲)، ص ۵۵ تا ص ۷۰.
- Gill Stephen, American Hegemony (London: London University Press, 1994) p 232.
- ۱۲- زادوخین، سیاست خارجی روسیه- خودآگاهی و منافع ملی، مترجم: مهدی سنایی (تهران: ابرار معاصر، ۱۳۸۴)، ص ۵۷.
- 13- <http://www.InternationalSpecialReports.com> (1386/5/15)
- 14- <http://www.isna.ir> (1386/4/25)
- 15- Stephen Blank, "Central Asia: Terrorism, ..." House of Representatives, 29 October 2003, Number 108, p110
- ۱۶- روی آلیسون، امنیت در آسیای مرکزی، مترجم: محمدرضا دبیری (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳)، صص ۷۵-۷۸.
- 17- Mansour Rahmani, "Central Asian States", Central Asia and the Caucasus, No 2, 2003, p 142.
- 18- Stephen Blank, "US Strategic Priorities in Central Asia" Global Policy Forum, 25 March 2004, p15.
- 19- Roy Alison, "Strategic Reassertion in Russia's Central Asia Policy", International Affairs, vol 80, No 2, 2004, p 283.
- ۲۰- Source: <http://www.Irica-gov.ir>
- 21- <http://www.Isna.ir> (1386/3/8)
- ۲۲- Source: <http://www.Irica-gov.ir>
- ۲۲- منوچهر پایور، «ایران و روسیه، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، ش ۴، (زمستان ۱۳۸۲)، ص ۸۵
- 24- Rwoo, "Russian National Interests and Foreign Policy", Pacific Focus, Vol. 17, No 1, 2002, p 97.
- ۲۵- الهه کولایی، فرصت‌ها و چالش‌های روابط ایران و روسیه (تهران: موسسه تهران، ۱۳۸۴)، ص ۶۸ ص ۷۲.
- 26- Adam Truck, "Tehran and Russian In Strategic Audience", Third World Quarterly, Vol. 18, No. 2, 200, p. 111.
- ۲۷- جواد رنجبر، «سیاست خارجی آمریکا در قبال افغانستان»، کتاب آسیا (تهران: ابرار، ۱۳۸۳)، ص ۸۲
- 28- Nabi Midaq, Afghanistan, political Frailty and Foreign Interference, (USA: Rutledge, 2006) P 78
- ۲۹- <http://www.Isna.ir> (1386/12/8)
- ۳۰- نوذر شفیعی، «چالش‌های اساسی دولت کزازی»، کتاب آسیا (تهران: ابرار، ۱۳۸۳)، ص ۵۲ و ص ۵۵.
- 31- <http://www.Afghan paper.com>
- 32- Patrik Martin, "us Planned war In Afghanistan Long before September 11", In World Socialist Web Site www. Org, 20/ 2001

- ۳۳- غزاله نظیف کار، برآورد استراتژیک پاکستان (تهران: ابرار، ۱۳۸۴) ص ۶۰
- 34- <http://www.Pakistan.biz.com>.(1386/3/7)
- 35- <http://www.Pakistan.information.com>.(1386/3/6)
- 36- <http://www.Pakistani.Tehreek.com>.(1386/3/12)
- 37- Jamal Nagavi, Inside Pakistan (New Delhi: Patrist Publishers, 1990) p.154.
- 38- Mehtab Alishah, The foreign policy of Pakistan (London: I. B. Taurus: 2000) P 29.
- 39-Ahmad Fraqui, "failure in command lessons from Pakistan India wars", Defense Analysis, 2001, p 142.
- 40- Ehsan Ahrari, "China, Pakistan", Asian survey, No 2002, July 200, p 104.
- 41- <http://www.Forish.org/pak-chins.html>.(1386/4/15)
- ۴۲- محسن مرادیان، برآورد استراتژیک ترکیه (تهران: ابرار، ۱۳۸۵) ص ۸۵
- 43- <http://www.Turkish.press.com>.(1386/2/25)
- 44- <http://www.All.about.turkey.com>.(1386/2/15)
- 45- Amikam Nachmani, Turkey Facing New Millennium Coping with Intertwined
- 46- <http://www.Turkish.daily.News.com>.(1386/5/10)
- 47- <http://www.Atatarksociety.Org>.(1386/4/15)
- 48- <http://www.Turkish.daily.news.Com>.(1386/4/12)

